

نشریه

پیام فلز کار

شماره دهم - مرداد

1391

کارگر متحد همه چیز ، کارگر متفرق هیچ چیز

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

Email: skfelezkar@gmail.com

نامه سرگشاده به وزیر کار آقای شیخ الاسلامی

پاداش خدمت ، دشمن وطن (شعر)

مسوول جان باختن زحمتکشان کیست؟

فراخوان فدراسیون جهانی مواد غذایی

قطعه نامه مجمع عمومی شورای جهانی صلح

خبرنامه فلزکار شماره 44

افزایش سطح آگاهی تاثیر مستقیم در مبارزات کارگران

چه باید کرد؟ گزارشات کارگری

همراهی سرمایه داری جهانی با سرمایه داری انگل تجاری

کودتای 28 مرداد و پیامدهای آن برای طبقه کارگر

کودک، کار، زندگی - کودکان کار کارگران فردا

نامه سرگشاده به وزیرکار آقای شیخ الاسلامی

باتعین دستمزدی 3 برابر زیر خط فقر، آشکار بود که تورم نیز به کمک گرانی آمده سفره کارگران هرچه بی رنگتر خواهد شد. اما آنچه در این میان قابل پیش بینی بود شدت یافتن اخراج کارگران و باصرفه نبودن تولید در کارگاه های کوچک که همگی دست به دست هم داده تا بکارگیری کودکان و دختران جوان برای کار فرمایان قابل صرفه تر باشد. شدت یافتن بکارگیری دختران بسیار جوان با معدل سنی 15 سال و پسران 12 سال، در سال جدید روندی بشدت رو به رشد داشته است. تاسف بار آنکه استنثار و فشار به کودکان مهاجر فاجعه بارتر است، و بی پناهی و بی حقوقشان گسترده تر. پسران و دخترانی که باید در پشت میز مدارس به فراگیری علم مشغول باشند، در کارگاههای نمودر و غیر بهداشتی و در شرایط کاری بسیار سخت، بی رحمانه استنثار می شوند تا کار فرمایان بتوانند هزینه های افزایش یافته حامل های انرژی و اجاره بها را از این طریق جبران کنند. فاطمه قاسم زاده عضو هیات علمی دانشگاه تهران در تاریخ 1390/4/12 به خبرگزاری ایلنا به درستی می گوید: «چون کودکان نیروی کار ارزان هستند و از قوانین و مقررات بی اطلاع و قدرت اعتراض و پامراجع به مراکز قانونی را ندارند و دستمزدی ناچیز دریافت می کنند، به همین دلیل از سوی کار فرمایان سودجو به فراوانی مورد سوء استفاده و استنثار قرار می گیرند. این مزیت ها باعث رونق بازار کودک می شود و همیشه متقاضی کار کودک وجود دارد.»

اتفاقی که در حال افتادن است پڑمرده شدن سالهای جوانی این کودکان است که همچون فرزندان شما می باید از حقوقی که در قانون پیش بینی شده است، برخوردار باشند. تاسف بارتر این که دستمزدهای این کودکان از 80 تا 150 هزار تومان در ماه است. خوشبخت کسی است که کار فرمایش همین حقوق را در سر هر ماه به کارگش پرداخت کند. ضرب و شتم، ساعت کاری 10 الی 12 ساعته، بیمه نبودن، عدم امنیت شغلی و جانی، کارآموزی 3 ماهه بدون دستمزد، شرایط فاجعه بار غیر بهداشتی، و در مورد دختران سوء استفاده جنسی، شرایطی است که این کودکان کار در آن بسر می برند.

بند 12 از اصل 3 قانون اساسی می گوید: پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه، مسکن، کار و بهداشت و تعمیم بیمه.

اصل 29 قانون اساسی پاراگراف دوم می گوید: ... دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تامین کند.

اصل 30 قانون اساسی می گوید: دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور بطور رایگان گسترش دهد.

اصل 43 قانون اساسی می گوید: برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، باحفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می شود:

1-تامین نیازهای اساسی: مسکن،خوراک،پوشاک،بهداشت،درمان،آموزش وپرورش وامکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه

2-تامین شرایط وامکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل...

3-رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری

آقای وزیر این قوانین برای اجرا تدوین شده اند وپس از 34سال این حق ماست که دلیل اجرایی نشدن آن را جویا باشیم.شما و همه هیات وزیران طبق اصل 137 قانون اساسی مسوول این وقایع هستید.آقای وزیر شما بخوبی مطلع هستید که ایران امضاکننده پیمان نامه حقوق کودک و عضو سازمان بین المللی کار است ومواد32 و34 پیمان نامه حقوق کودک وکنوانسیون های 138 و182 کودکان کار را امضا نموده و ملزم به رعایت این قوانین است.طبق ماده 9 قانون مدنی ایران «مقررات وعهودی که برطبق قانون اساسی بین دولت ایران وسایر دول منعقد شده باشد،درحکم قانون است.»انتظار زحمتکشان توقف این روند خطرناک ومسموم است.ما ضمن محکوم کردن سیاست هایی که فرزندانمان رابه جای مدرسه به کارگاههای نمودر وخیابان کشانده است،خواستار اجرایی شدن قوانین فوق می باشیم.

باسپاس کارگران فلزکارمکانیک 25/5/1391

پاداش خدمت

ندارم جزگت وشلوارپاره	پس ازسی سال خدمت در اداره
همانند خیاری دردل خم	مرا درپاست گفش دست دوم
پس ازسی سال واندی کوشش وکار	کسی چون خودنمی بینم گرفتار
که گاهی می کنم خودرافراموش	تهیدستی چنانم کرده کم هوش
کنم تاسردران جا،گاهگاهی	نه مسکن دارم ونه سرپناهی
به صاحب خانه هم بایرق وبآب	بدهکارم به بقال وبه قصاب
به شندرغازمی سازم،شب وروز	به صدهادرد بی درمان وجانسوز
نباشد عاید یک روزدلال	مرا دریافتی درطول یکسال
چنین باشد پس ازسی سال زحمت؟	چرا در عصرماپاداش خدمت

علی جعفری (کارگر)



مسوول جان باختن زحمتکشان کیست؟

هفت روز از جان باختن صدها نفر از کشاورزان هریس- ورزقان و اهر می گذرد. چندسال پیش زحمتکشان اردبیلی وبمی عزیزان شان را از دست دادند و امروز هریس- ورزقان و اهر، و فردا گوشه دیگری از این آب و خاک، و خانواده های زحمتکش دیگری. خانواده های روستایی که می باید پول نفت بر سر سفره اشان می آمد، مرگ بر سر آغشان آمد. پس از مرگ سهراب نوشدارو است که توزیع می شود. وزیر بهداشت، اقتصاد، مسکن و شهرسازی و معاون رییس جمهور از پرداخت های میلیاردی و بلاعوض به این روستاییان خبر می دهند. آیا نمی شد همین مبالغ قبل از اینکه زلزله به سراغ روستاییان بی پناه بیاید، در این مناطق برای بهسازی خانه هایشان صرف می شد؟ امروز این پولها عزیزان روستاییان را زنده خواهد کرد؟ در کشوری که جهانی سازی بنابر دستور صندوق بین المللی پول در حال اجراست و سرمایه داری دلال و انگل تجاری با واردات، ثروت زحمتکشان را به غارت می برد و دزدان با چراغ هزاران میلیاردی به سرقت می برند، چه جایی برای برنامه های بهسازی خانه های روستایی می ماند. قبل از زلزله، دلالان بی مروت محصول یکسال زحمت و رنج باغداران هریس و ورزقان و اهر را چنان مفت از چنگ شان رُبوده و به خاک سیاه نشانند، که این کشاورزان خانه خراب شده، آرزوی مرگ کردند.

امروز کشاورزان هریس- ورزقان- اهر آواره کوه و دشت هستند، فردا معلوم نیست کدام نقطه از ایران عزیز این حادثه را تجربه کند. آنچه که حتمی است خانه خرابی مردم ایران است.

زحمتکشان هریس- ورزقان- اهر !

اگر امروز شمادر داغ عزیزانتان خون گریه می کنید، کلیه زحمتکشان ایران همدرد و داغدار این حادثه هستند. زحمتکشان کرد، ترکمن، فارس، لر، عرب، بلوچ، بختیاری، گیلک، مازنی، خراسانی، نیز در این حادثه برادران و خواهران شان را از دست داده اند.

کشاورزان آذری ! هموطنان ایرانی !

اگر می خواهیم اینگونه حادثه ها جان خانواده هایمان را تهدید نکند، قبل از وقوع باید چاره ای اندیشید. چاره کار متشکل شدن در اتحادیه های صنفی است، تا با یکی شدن دست ها و قلب هایمان، حقوق اجتماعی پایمال شده و ثروت های بی یغما رفته امان را از سرمایه داری انگل تجاری باز پس گیریم. تصمیم با ماست.

کارگران فلزکار مکانیک 1391/5/27

دست‌هایی که کمک می‌کنند مقدس تراز لب‌هایی هستند که دعای کنند.



فراخوان فدراسیون جهانی مواد غذایی

در این فراخوان فدراسیون خواهان توقف هرگونه اذیت و آزار، زندانی و بازگشت به کار فعالان سندیکای هفت تپه شده است. موارد این فراخوان عبارتند از: 1- آزادی علی نجاتی و لغو هرگونه حکم زندانی باری ایشان 2- بازگرداندن تمامی کارگران اخراجی به کار و دلیل برگشت به کار 3 نماینده سندیکای هفت تپه به صورت موقت 3- در دوماه گذشته نیروهای امنیتی به اعضای هیات مدیره سندیکا فشار می‌آورند برای منحل کردن سندیکا و گرفتن تاییدیه از جانب آنها که دیگر فعالیت سندیکایی نخواهند کرد.»

کارگران فلزکار مکانیک ضمن محکوم کردن اینگونه فشارها، اینگونه حرکات را در راستای نقض قانون اساسی و حقوق شهروندی می‌دانند. ماحمایت بی دریغ خود را از سندیکای کارگران هفت تپه و خانواده های فعالین کارگری سندیکای کارگران هفت تپه اعلام می‌کنیم.

کارگران فلز کار مکانیک 1391/5/9

قطع نامه مجمع عمومی شورای جهانی صلح درباره ایران

شورای جهانی صلح، نقشه های امپریالیستی آمریکا و اتحادیه اروپا و ناتو را برای حمله به ایران، زیر هر پوشش و بهانه ای، از جمله به بهانه برنامه هسته بی آن کشور، قاطعانه محکوم و مردود می‌شمارد. این فقط به عهده مردم ایران است که بدون هرگونه دخالت سیاسی و نظامی خارجی، درباره آینده و رهبری کشور خود تصمیم بگیرند. شورای جهانی صلح، بانیره های مترقی و صلح دوست ایران که در راه حفظ صلح پیکار می‌کنند، و در برابر امپریالیسم مقاومت می‌ورزند، همبستگی خود را اعلام می‌دارد. مجمع عمومی شورای جهانی صلح، همبستگی رزم جویانه خود را با زحمتکشان ایران در مبارزه پیچیده شان در راه صلح، پیشرفت اجتماعی، و زندگی شایسته و نیز حمایت خود را از مبارزه شان در دستیابی به حقوق دمکراتیک و مردمی آنان اعلام می‌کند. ما مردم جهان را فرا می‌خوانیم تا در برابر نقشه های آتی امپریالیسم برای جنگ هشیارباشند.

مجمع عمومی شورای صلح، کاتماندو، نپال 1391/5/1

خبرنامه فلزکار شماره 44

دوستان کارگر! خبرهای داخل گیومه، همگی از خبرگزاری ایلنا و روزنامه کاروکارگرنفل گردیده است. چنانچه نظر یا انتقاد و یا پیشنهادی دارید، برایمان ایمیل کرده و نشریه پیام فلزکار را برای هرچه بهتر شدن یاری کنید. سپاسگزاریم. **تحریریه پیام فلزکار**

«عادل آذر رییس مرکز آمار ایران: رعایت تعریف جهانی از بیکاری و شاغل دانستن افراد بایک ساعت کار در هفته اصرار داریم.» اصراری که آقای آذر از شاغل بودن بایک ساعت کار در هفته دارد، تعریف صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی است. آقای آذر بی اطلاع نیستند که با همین حقوق 30 روزه هم زحمتکشان در اواسط ماه جیب شان خالی است. وای بحال یکساعت کار در هفته. آقای آذر می گویند: سواره از پیاده خبرنگار»

«عقب افتادن 15 ماه حقوق و 4 ماه بیمه 48 کارگر کارخانه نقش مهران قزوین. مالک این کارخانه اگر فقط انبارهای خالی این کارخانه را اجازه دهد، پرداخت معوقات حقوقی این کارگران جبران خواهد شد - 70 کارگر کارخانه کامکار سیرجان سازنده پیچ و مهره پس از اتمام قراردادشان بیکار شدند - با اعتراض کارگران پرلایت آسیا به عقب افتادن 4 ماه حقوق در 21 خرداد، 5 کارگر در همان روز و 15 کارگر دیگر در یک ماه گذشته از این شرکت اخراج شدند. - سامان کاشی حق بیمه 500 کارگر خود را در سه ماه گذشته پرداخت نکرده است - تجمع کارگران صنایع تبدیلی الوند همدان در مقابل استانداری برای زنده کردن 26 ماه حقوق عقب افتاده. آنان پلاکاردی در دست داشتند که نوشته بود: در دولت عدالت محور، حقوق معوقه 26 ماه، آياکسی هست به داد ما برسد - تجمع 100 نفر از معلمان زن مقطع پیش دبستانی برای چندمین بار در مجلس نسبت به عدم استخدام در آموزش و پرورش - تجمع کارگران مخابرات آذربایجان غربی در مقابل مجلس به جهت عدم دریافت 5 ماه حقوق - تجمع 600 کارگر صنایع فلزی در اعتراض به عدم دریافت 8 ماه حقوق و 11 ماه بیمه، که یکروز جاده های منتهی به کارخانه درجاده قدیم را بستند و روز بعد در مقابل وزارت صنایع دست به اعتراض زدند.»

همانطور که پیش بینی می شد و خبرهای بالا هم تایید می کند، رکود و اخراج گریبان طبقه کارگر و واحدهای تولیدی را گرفته است. بیکاری و عقب افتادن حقوق ها از 3 ماه به بالا حکایت دارد. هرچند که کارگران در صنایع تبدیلی الوند و مخابرات آذربایجان و کارگران صنایع فلزی و معلمان تجمع کردند، اما حاصلش چه بود؟ این اخبار به مایادآوری می کند که تا سندیکا نباشد این اعتراضات و تجمعات به جایی نخواهد رسید و پس از چندی کارگران سرخورده شده دست از اعتراض و مبارزه خواهند کشید.

«دبیر خانه کارگر: بسیاری از صنایع و تولید کنندگان خودرو به دلیل کاهش سفارشات در بحران مالی بسر می برند - گلرودی رییس انجمن قطعه سازان: 69 واحد قطعه سازی در 2 ماه گذشته تعطیل شده

اندو حدود 115 هزار نفر از شاغلان این صنعت بیکار شدند- 400 کارگر غرب استیل سمنان تولیدکننده قطعات خودرو 3 ماه حقوق نگرفته اند - کشته شدن 3 کارگر شرکت پخش فرآورده های شیلاتی بندرعباس در چاه فاضلاب صنعتی - گودبرداری غیراصولی از یک ساختمان و مرگ یک کارگر - بانفجار در کارخانه آلیاژگستر قشم 13 کارگر مجروح شدند، این کارگران کمتر از 15 روز بود که به این کار مشغول شده بودند- واردات گوشت به کشور آزاد شد - واردات 120 هزار تن لاستیک - با واردات کارخانه شوفاژ کار هم در آستانه تعطیلی قرار گرفت - افزایش 23 درصدی سبکه در شیفتهای نامنظم کاری»

واردات و تحریم 2 سوی یکی قیچی هستند، که تولید رازنفس انداخته اند و سرمایه داری انگل تجاری برای غارت هرچه بیشتر ارزهای با ارزش نفتی به واردات سرعت بیشتری داده است. تا هم بیکاری افزایش یابد هم سبکه کارفرمایان بی مروت هم در این اثنا با کاهش هزینه ایمنی شغلی جان کارگران رami گیرند. سرمایه داری انگل تجاری که در اقتصاد و سیاست ایران نفوذ دارد حتا به اندازه سرمایه داری ترکیه هم منافع ملی اش را در نظر ندارد. به این خبر توجه کنید: «ترکیه با هدف حمایت از تولید کنندگان داخلی مقررات بازدارنده ای برای واردات نخ نایلون از ایران به اجرا گذاشت» کاش دولت ما هم کمی از دولت ترکیه یاد بگیرد و برای حفظ منافع ملی از واردات اجناس ترکیه ای و هم چنین ترانزیت کالا توسط کامیون ها و تریلی های ترکیه ای در جاده هایمان جلوگیری کند، تا حداقل حمل بارتوسط رانندگان ایرانی صورت گرفته که هم ارز از کشور خارج نشود و هم رانندگان ایرانی بیکار نباشند.

«رئیس هیات مدیره اتحادیه سبب زمینی کاران: دولت بدهی 10/5 میلیارد تومانی خود به سبب زمینی کاران رانی دهد» دوستان مشکل یکی دو تا نیست، همانطور که در بالا گفته شد رخنه سرمایه داری انگل تجاری در اقتصاد و سیاست ایران باعث شده که نه تنها سبب زمینی کاران بلکه پنبه کاران و چایکاران نیز نتوانند طلب های خود را بگیرند و مزارع را با بحال خود رها کرده و به شهرها آمده رقیب برادران شاغل در کارخانه ها شوند و یا باغها را با نازلترین قیمت به ویلا سازان فروخته و این باغها به ویلاهای آنچنانی برای افراد معدودی تبدیل به کاخهای افسانه ای چند صد میلیاردی شوند، تا آقایان سرمایه دار دلال با پولهای باد آورده و ایران برباد ده در ویلاهای شمال خوش گذرانده و با دعوت از همتایان خارجی برای خوشگذرانی در ایران آنها را به ویلاهای افسانه ای شمال برده به خیانت خود به منافع ملی و مردم ایران افتخار کنند.

«صدور مجوز برای صادرات نفت خام توسط بخش خصوصی - صاحبان هواپیماهای شخصی مجوز تاسیس فرودگاه میگیرند» دوستان این بخش خصوصی که نفت را صادر خواهد کرد کیست؟ که حتا برای راحتی خود به دنبال مجوز تاسیس فرودگاه هم هست. اینان نفت را به چه قیمتی خواهند فروخت و ارزهایش را چکار خواهند کرد؟ آیا این ارزها هم تبدیل به موز، پرتقال، ناخن و مژه مصنوعی، دسته بیل، پوست خربزه، دمپایی تبدیل شده وارد کشور خواهد شد؟ تا هم بیکارانمان بیشتر شود و هم اقتصادمان وابسته.

آنچه مسلم است سرمایه داری انگل تجاری با واردات اقتصاد رافنج، جامعه را دچار بحران، فساد را ترویج خواهد کرد. با ورشکسته کردن صنایع کارگران را بیکار و به ناهنجاری های اجتماعی دامن خواهد زد. وطن و منافع ملی برای او در چمدان هایش و حساب بانکی اش نهفته است. و چه زیبا می

گوید صادق هدایت « فاحشه را خدا فاحشه نکرد! آنانکه در شهر نان قسمت می کنند، او را لنگ نان گذاشته اند، تا هر زمان که لنگ هم آغوشی مانند، او را به نانی بخزند.

افزایش سطح آگاهی تاثیر مستقیم در مبارزات کارگران دارد

در سال 1371 در یک کارگاه تولیدی به کار مشغول شدم و به علاقه و پشتکاری که در کارم نشان دادم، کارفرما امور داخلی کارگاه را به من محول کرد، به این ترتیب که در نبود او مدیریت کارگاه بر عهده من بود. با توجه به تجاربی که در سالهای 1326 تا 1333 در سندیکای کارگران کفاش داشتم و در واقع از فعالان آن بودم، در روزهای 5شنبه حدود یک ساعت برای کارگران درباره قانون کار و تامین اجتماعی صحبت می کردم. گاه مطالبات تامین اجتماعی به وسیله پست به کارگاه می رسید. پس از آماده کردن کارگران، یک روز به کارفرما گفتم: لازم است کارگران را بیمه کنی و لیست حقوق و مزایا را در لیستی تنظیم کنی و به شعبه تامین اجتماعی بفرستی، و برای توضیح دادم که سازمان مطالبات خود را حتی از طریق دادگاه دریافت خواهد کرد. پس بهتر است ما بیمه کنی و ادامه دادم که با بیمه شدن کارگران بهره وری بالا خواهد رفت و از ضایعات بیشتر جلوگیری خواهد شد. خلاصه بایگیری و تلاش و استفاده از تجربیات گذشته، 6 نفر از کارگران بیمه شدند و سپس یکی از کارفرمایان که جواز کسب و تولید به نام او بود به عنوان مشاغل آزاد و دیگری به عنوان کارگر به سازمان معرفی شد و به عنوان نماینده کارگاه و همه کارگران و کارفرما به عضویت بیمه درآمد بدین ترتیب همه زیر پوشش بیمه قرار گرفتند و تولید بیشتر شد و بهره وری به حدی بالا رفت که کارفرما طی مراسمی از من تقدیر کرد پس از بیمه شدن کارگران، هر ماهه لیست حقوق و مزایا را تنظیم و از کارگران و کارفرما امضا می گرفتم و خودم هم به عنوان تنظیم کننده لیست امضا می کردم. با اجرای بیمه، قانون کار را هم برای کارگران توضیح دادم و مساله 44 ساعت کار در هفته و عیدی و بن کارگران را هم به اجرا در آوردم و مرخصی نیز تا حد 15 روز با حقوق، مورد پذیرش و رضایت کارفرما قرار گرفت و بار دیگر ثابت شد که افزایش سطح آگاهی کارگران تا چه حد در توسعه فعالیت و اجرای کامل قانون کار و تامین اجتماعی موثر است.

محمود آقا کفاش



چه باید کرد؟

امروز کارگران و زحمتکشان و مردم ایران می بینند که 3 دهه و اندی از بیست و دو بهمن می گذرد و وضع کار و معیشت روز به روز بدتر می شود. بیکاری کارگران باعث بی رونقی مغازه دار هاشده

است. با تعطیل تولید در کارخانه ها، صدها صدها نفر بیکار شدند و این بیکاری باعث آلوده شدن خانواده های کارگری به فساد می باشد. این مشکلات به عهده چه کسی است، که جوابگو باشد؟ قیمت امروز، یک نرخ است و فردا یک نرخ دیگر. نان بربری 500 تومان، گوشت مرغ کیلویی 7000 هزار تومان – که الحمدالله گیر ما نمی آید. گوشت گوسفند هم 26000 تومان آرزویی محال است، برنج بی خود خارجی 2200 تومان بخور و صدتا مرض بگیر، میوه هم که نباید حرفش را زد چراکه برای نان خالی توش مانده ایم. اجاره خانه هم که موشک شده همین طور می رود بالا. شما بگو خانواده کارگری چکار کند. یعنی این کشور حساب کتاب ندارد؟ آیا وقت آن نرسیده که این وضع روشن شود که چرا کشور به این روز افتاده؟ نباید مسوولین جوابگو باشند؟ اگر ما سندیکاداشتیم رهبران سندیکا وقت می گرفت با دولت حرف می زد. اگر دولت با سندیکا حرف نمی زد، سندیکا از کارگران مثل همه کشورها می خواست که تظاهرات کنند، تا مسوولین فکر چاره باشند. اما سندیکا نیست و دست کارگر هم بسته پس بیاید باهم سندیکا تشکیل بدهیم تا کمی از مشکلاتمان حل شود.

داود عرفانی

گزارشات کارگری

کارخانه سوپا سازنده لوازم آزمایشگاهی و پزشکی درجاده کرج واقع شده است. در این کارخانه کارگران با قراردادهای موقت 3 ماه تا 6 ماه مشغول بکارند. موقعیت شغلی زنان در این کارخانه بسیار شکننده است. بد رفتاری و توهین و تهدید به اخراج در مورد زنان کارگر بیداد می کند. مدیریت کارخانه به مدیران تولید و سرپرستان برای بالا بردن تولید به هر شکل اختیار تام داده است. این پادوهای استثمار برای خوش رقصی، به هر ظلمی در حق کارگران کوتاهی نمی کنند. دوستان فلزکار، خواهان شمادر این شرایط دریکی از معتبرترین کارخانه های ایران روزگاری گذرانند. با استثمار ما سوپا یکی از بهترین تولیدکنندگان لوازم پزشکی است.

کارخانه شوفاژکار 300 کارگر دارد که در بخش های تولیدی، خدماتی، ریخته گری، تراشکاری کاری کنند. کار در قسمت ریخته گری بسیار سنگین و طاقت فرساست و هیچ کارگری در این قسمت بیشتر از شش ماه نمی تواند دوام بیاورد، چون یامریض می شود و یا از سختی کار فراری. با واردات محصولات مشابه کارخانه ما، شوفاژکار هم در آستانه تعطیلی قرار دارد. در این کارخانه قرارداد موقت برای کارگران یکماه، سرپرستان 3 ماه و مهندسين 6 ماه است. بعد از عید امسال اضافه کاری و مزایا قطع شده است. می گویند رییس کارخانه گفته: «صرف نمی کند، هرکس نخواست بیرون».

کارخانه مزدایی از ثروتمندترین کارخانه های خودروسازی ایران است، که بعد از عید بیشتر تولیداتش را افزایش قیمت داده، در عوض از دیماه سال گذشته تاکنون 300 کارگر را اخراج کرده. همه مزایا و اضافه کاریها قطع شده اند. از عید تا امروز چند بسته ماکارونی یک قوطی رب و 2 عدد روغن برای ماه رمضان به کارگران داده اند که به این ها می گویند هدیه یعنی هر وقت دادیم هر وقت هم ندادیم اعتراضی نباشد. با این دستمزد کم و قطع مزایا واقعا شک کارگران درآمده. اگر اعتراضی بکنیم خیلی سریع اخراجمان می کنند. دوستان فلزکار چه کنیم؟ آیا خانواده های ما باید گرسنگی

بکشند، آنوقت کارخانه، ماشین‌مردا تی ری را 10 میلیون گرانتر بفروشد و هیچی بما ندهد؟ این واقعاً ظلم است.

همراهی سرمایه داری جهانی و سرمایه داری انگل تجاری و وظیفه پیشروان کارگری

در چند سال اخیر گام نهادن در مسیر نئولیبرالیسم اقتصادی و سرسپردن به برنامه های صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی باعث بحران هرچه بیشتر در ساختار سیاسی و اقتصادی کشور گردیده است. در همین راستا محفل های جنگ طلب داخلی و امپریالیسم جهانی در جهت شعله ور شدن یک جنگ می کوشند، که می توان به ترور غیر انسانی متخصصان هسته ای برای شروع این جنگ اشاره کرد. اوضاع کشورمان با شدت یافتن پی در پی تحریم ها و پیامدهای برنامه های اقتصادی خانمان بر انداز، در وضع بسیار نگران کننده ای قرار گرفته است. نفوذ عملی سرمایه داری جهانی در اقتصاد کشور بخصوص واگذاری بخش های کلیدی اقتصاد از جمله صنعت نفت و پتروشیمی و فولاد کتمان ناپذیر است. اقتصاد سیاسی ایران بر اساس تمرکز سرمایه های کلان در دست سرمایه داری انگل تجاری متصل به هرم قدرت است. برنامه های اقتصادی رژیم در دو دهه گذشته هرچه بیشتر بر اساس نئولیبرالیسم اقتصادی (خصوصی سازی، بازارکار انعطاف پذیر) بنا شده اند. در حال حاضر با حذف یارانه ها و به کار گرفتن برنامه ریاضتی کنونی که بصورت بسیار فجیعی اجرامی شود، فرایندی که با شتاب و وسعت بیشتری عملیاتی گردیده است. برنامه های اقتصادی کنونی از سوی صندوق بین المللی پول تایید و تشویق شده است. در حال حاضر سرمایه داری جهانی با همراهی و پشتیبانی از برنامه های اقتصادی در حال اجرا در صدد تقویت و تعمیق نئولیبرالیسم اقتصادی در ایران است. متأسفانه با محدود شدن هرچه بیشتر سندیگاه های کارگری که مخالف این گونه سیستم سرمایه داری است تحمل شوک های اقتصادی بدون هیچ مخالفتی در حال اجراست. گزارش صندوق بین المللی پول در عمل کمک به تداوم این سیاست اقتصادی است. این همراهی سرمایه داری جهانی و سرمایه داری انگل تجاری با واردات و غارت هرچه بیشتر ثروت نفتی زحمتکشان از طریق ارزهای نفتی و سرمایه گذاری در آن طرف آبها، ضربات جبران ناپذیری به اقتصاد و معیشت زحمتکشان وارد ساخته است. بیکاری، رکود در کارخانه های تولیدی، فرار نخبگان و نابودی زیرساخت های اقتصادی تنها گوشه ای از خرابکاری سرمایه داری انگل تجاری است. نئولیبرالیسم تنها کشورمارانشانه نگرفته است، بلکه بحران در گوشه گوشه جهان، نابودی صدها هزار شغل، بیکاری کارگران، کاهش شدید دستمزدها، افزایش سن بازنشستگی و مالیات و کاهش سطح تامین اجتماعی که با تظاهرات و اعتراض و اعتصاب کارگران جهان پاسخ داده شده است و سرنگونی رژیم های یونان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و نیز در پی داشته است. وظیفه پیشروان کارگری در قبال این بحران و بحران جهانی چیست؟

1- روشن کردن ماهیت و طبیعت بحران سیستم سرمایه داری است. ما بحران را نتیجه سیستم سرمایه داری می دانیم. جهان با بحران اضافه تولید و انباشت تولید مواجه است. باید با هرگونه خیال پردازی

در مورد «برون رفت» از بحران در چارچوب سیستم سرمایه داری برخورد کرد. آمدن چهره های سیاسی سوسیال دمکراسی بار دیگر در مقام مجری وفادار سیاست های سرمایه داری نمایان می شود. شکست این چهره های سیاسی سوسیال دمکراسی با هیاهوی بسیار جهت برون رفت از این بحران، ترفندی است که طبقه کارگر در جهان بارها تجربه کرده است. سوسیال دمکراسی در مقام مجری وفادار سیاست های سرمایه داری است. شکست سوسیال دمکراسی زمینه ای برای رشد راست افراطی و فاشیسم در دهه های سی قرن بیستم ایجاد می کند.

2- پیشروان کارگری در هر کشوری بخصوص کشورمان ایران، روند ویژه بالا بردن آگاهی های کارگران و مردم در رابطه با مبارزه هایشان را جستجو کنند. نیازهایی چون شغل، دستمزد، حقوق اجتماعی، کمک های اجتماعی، آموزش، سلامتی، بازنشستگی، مسکن، مخارج زندگی و امنیت اجتماعی. بحران کنونی امکانی را بوجود آورده است. تا بتوان تبلیغات کارگری را بر ضد دشمنان عدالت اجتماعی و رفاه اجتماعی کارگران عقب راند. مبارزات روزمره ما برای شرایط بهتر زحمتکشان نقشی اساسی دارند.

3- بحران «اقتصاد وابسته به جنگ را حاد می کند» ناتو، اهرم جنگی سرمایه داری جهانی هر چه بیشتر تجاوزگر می شود. او در منطقه خلیج فارس، خاورمیانه، اقیانوس آرام، اقیانوس هند و همه جادردنیان فوذ و مداخله نظامی کرده و تنش ایجاد می کند. سرمایه داری جهانی برای رفع موقت بحران به جنگی دیگر احتیاج بیش از پیش دارد. وظیفه پیشروان طبقه کارگر افشای نقشه های جنگ افروزانه است. در جنگ سرمایه داری جهانی بحران خود را موقتاً حل خواهد کرد. سرمایه داری انگل تجاری از موقعیت جنگی برای غارت هر چه بیشتر سود خواهد بُرد و فرزندان کارگران و خانواده های کارگری به قربانگاه جنگ برده خواهند شد.

پرویز پویان



دشمن وطن نشدم

آلت دست اهرمن نشدم
دشمن خلق خویشتن نشدم
بار بر دوش مرد وزن نشدم
خلق را چون تو گورکن نشدم
هرگز دشمن وطن نشدم

خسته از راه خویشتن نشدم
از ره جیره خواری و مدحت
دل نبستم به جاه و مال و منال
برو ای جیره خوار تن پرور
وطنم گرچه دوزخ است مرا

سرفرازم که در نشیب و فراز

علی جعفری (کارگر)

خسته از راه خویشتن نشدم



کودتای 28 مرداد و پیامدهای آن برای طبقه کارگر

مازیار گیلانی نژاد

کودتای 28 مرداد که توسط پلیدترین دشمنان ایران و پست ترین و شریرترین عوامل داخلی اش صورت گرفت پیامدهای بسیار سنگین برای طبقه کارگر پدید آورد و بخشی از دستاورد های این زحمتکشان که همانا آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بود، پایمال گردید. نظری اجمالی بروند مبارزات کارگران نشانگر آگاهی پیشروان این طبقه برای حصول عدالت اجتماعی نه تنها برای طبقه کارگر بلکه برای همه مردم ایران است. نقش جنبش کارگری در مبارزات آزادیخواهانه و عدالت جویانه نقشی انکارناپذیر است.

اعتصاب کارگران چاپخانه ها در سال 1294 به رهبری سید محمد دهگان، از جمله خواسته هایش یکی خدمات پزشکی بود. با آغاز کنفرانس کارگران در بندرانزلی به تاریخ 1299/3/5 طرح «بیمه کامل اجتماعی از برای تمام انواع صدمات بر توانایی کار، بیکاری از بودجه کارفرما- دولت و مرخصی یکماه با دریافت مزد برای کارگرانی که به مدت یکسال مداوم کار کرده باشند» درخواست شد. و این پایه ای گردید برای بنیان گذاری صندوق بیمه های اجتماعی در 1310/1/1 که «از کارگران راهسازی روزانه یک شاهی و از کارگرانی که قرارداد داشتند به میزان 2 درصد از دستمزدشان کسر می شد» و این به همت پیشروان و اتحادیه های کارگری میسر شد. پس از شهریور 1320 و بازگشایی اتحادیه های کارگری، آنان بیشترین همت خود را صرف دستیابی به 8 ساعت کار و قانون کار نهادند. در سال 1323/2/11 و تشکیل شورای متحده با شرکت 4 سازمان سندیکایی، این خواسته ها در اولویت قرار گرفت، بطوریکه در 1325/1/18 نخست وزیر قوام السلطنه در ملاقات با رهبران شورای متحده موافقت کرد «هیأت وزیران به موجب تصویب نامه ای شورای متحده را برسمیت بشناسد و ساعات کار در هفته به موجب تصویب نامه دولت به 48 ساعت کاهش یابد و جمعه ها تعطیل با استفاده از حقوق محسوب شود و نمایندگان شورای متحده اجازه یابند در جلساتی از شورای عالی اقتصاد که

مسائل کارگری مطرح می شود، شرکت کنند» اما اتحادیه های کارگری به این بسنده نکرده لایحه قانون کار در کمیسیون با شرکت رضا روستا دبیر شورای متحده، مهندس زاوش و مهندس تبریزی تهیه و تنظیم و به مجلس فرستاده شد. متعاقب آن در 1325/2/11 در جشن روز کارگر سخنرانان بخصوص در خوزستان خواستار 8 ساعت کار، افزایش دستمزد، بهبود وضع مسکن، حقوق روز جمعه و تدوین قانون جامع کار شدند. در 1325/2/22 اولین قانون کار در حکومت ملی آذربایجان به رهبری سید جعفر پیشه وری به تصویب رسیده و اجرایی گردید. در تاریخ 1325/2/27 پس از آنکه نمایندگان مجلس شورای ملی در تهران از تصویب لایحه قانون کار طرفه رفته و مجلس را از اکثریت می انداختند، مجلس توسط کارگران محاصره و هر نماینده ای که قصد خروج از مجلس را داشت، به داخل مجلس بازگردانده می شد. بالاخره با فشار طبقه کارگران لایحه تصویب و روز بعد جهت اجراء تمام موسسات ابلاغ شد. هر چند قانون کار فقط تصویب و ابلاغ شد، ولی برای اجرایی شدن آن تا بعد از کودتای 28 مرداد 32 هنوز کارشکنی ها ادامه داشت. البته اتحادیه های کارگری حتی قبل از تصویب این لایحه در بسیاری از صنوف و کارخانه ها کارفرمایان را به اجرای 8 ساعت کار، تعطیلی روز جمعه با حقوق و اخراج کارگران رانتهها با موافقت اتحادیه های کارگری، و ادار ساخته بودند. برای به اجراء آمدن این حقوق، ردی از خون کارگران همیشه جاری و نمایان بود. این دستاوردها با اخراج، در بدری و زندانی گشتن فعالان کارگری بدست آمده است.

بر سر محمد حجازی کارگر چاپ و نویسنده اعلامیه روز کارگر سال 1308 کلاه یخی گذاشته او را کشتند. علی فرهودی استاد قالیباف مشهدی و بنیان گذار کلاس های سواد آموزی رادر زندان به قتل رساندند. فرخی یزدی شاعر و رییس اتحادیه مستاجران را به امر رضاخان با آمپول هوا به شهادت رساندند. سید محمد تنها نماینده کارگران نساج اصفهانی در زندان قصر بدلیل صدمات وارده کشته شد. محمد صادق پور و علی شرقی از مسوولین اتحادیه مخفی کارگران شرکت نفت انگلیسی به علت شرایط بد زندان درگذشتند. محمد انزایی آموزگار اردبیلی از بی غذایی مرد. استاد غلامحسین نجار، پروانده یغیکیان، پور رحمتی از دیگر کشته شدگان راه بهروزی طبقه کارگرند.

در تاریخ ملی شدن صنعت نفت این کارگران بودند که در 1325/2/11 جشن روز کارگر در خوزستان «یک سخنران زن، نفت را مروارید ایران خواند و انگلستان را متهم کرد که برای خوراک سگها بیشتر از مزد کارگران خرج می کند و خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس را خواستار شد» و این آغاز حمایت طبقه کارگر از یکی از خواسته های تاریخی بود. 1330/1/22 با اعتصاب سراسری اتحادیه کارگران نفت در خوزستان، این بار فقط دستمزد 3 هفته اعتصاب را خواستار نبودند، بلکه ملی شدن صنعت نفت را نیز خواستار شدند. خواسته های اقتصادی با خواسته های سیاسی گره خورد و 65000 کارگر اعتصاب کردند، که ما در اعتصابات سال 1357 بار دیگر این دستاورد را تجربه کردیم. در 23 تیر 1330 شورای متحده تظاهراتی را علیه ورود هیات نفتی آمریکایی سازمان داد. پلاکاردی در پیشاپیش صف تظاهر کنندگان توسط زحمتکشان حمل می شد که شعار «فروش نفت آری، امتیاز هرگز» را به نمایش گذاشته بود. در این تظاهرات که توسط ارتش محمدرضا شاهی به خون کشیده شد، اسداله کاری جانی کارگر کفاش کشته و پروانه شیرینلو دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه تهران برای ممانعت از حمله تانکها به کارگران روی زمین خوابید که تانک از روی پای او حرکت کرده و این دختر فداکار تا پایان عمر از داشتن پا محروم گردید. روزنامه اطلاعات تعداد مقتولین را 11 نفر ذکر کرده

است. سخنرانان کارگری همچون حسین سمنانی مسوول تبلیغات سندیکای کارگران کفاش در چهارراه مخبرالدوله بر روی ماشینی به دفاع از ملی شدن صنعت نفت پرداخت که گویای حمایت کارگران از ملی شدن صنعت نفت بود. اما با این احوال محدودیت ها علیه کارگران و اتحادیه های کارگری ادامه داشت. استعفای رییس اداره کار همدان گویای ظلم و ستمی است که به کارگران می شد: «چون طاقت ندارم وضع رقت بار کارگران را به این حدو حصر به چشم خود ببینم. مرگ را به این ریاست ترجیح می دهم. محمود خانی». بیکاری، گرانی، اخراج های متوالی کارگران فعال، عقب افتادن حقوق کارگران برای ماههای متمادی، حمله اوپاش و دسته های ضد کارگری به باشگاههای کارگری و قتل و زخمی کردن کارگران فعال همچنان ادامه داشت. براتعلی بزودیه، نورو علی غنچه، قازار سرکیسیان، حسن حیدرپور، حسین خان گلناری، اسحق رحمت، شیروان محمودی... بخشی از کشته شدگان هستند. با اختلاف شاه و دکتر مصدق این طبقه کارگر بود که پس از استعفای او بزرگترین حمایت قدرتمندان را به نمایش گذاشت. در 1331/4/29 اعتصاب 28 ساعته از طرف کارگران سیلو، دخانیات، سیمان تهران و چیت سازی و راه آهن اعلام شد. تظاهرات وسیع در آبادان توسط شورای متحده به حمایت از دکتر مصدق به راه افتاد که به کشته شدن چندین کارگر منجر شد. در 1331/4/30 با راهپیمای شورای متحده از چهارراه مخبرالدوله تا بهارستان با شعارهای مرگ بر استبداد، دست شاه از دخالت در امور کشور کوتاه، مرگ بر قوام خائن، مرگ بر شاه، مرگ بر اشرف، یامرگ یا مصدق، از جان خود گذشتیم، یامرگ یا آزادی، آغاز گردید. سخنرانی حسین سمنانی از اتحادیه کارگران کفاش بعد از بهم خوردن مراسم رسمی در ظهر این روز در میدان توپخانه و کشته شدن ماناس و قازار حزون کارگران کفاش بدست مزدوران شاه در این روز نشانگر حمایت بی دریغ طبقه کارگر از حکومت ملی دکتر مصدق است.

این آخرین بار نبود که اتحادیه های کارگری به کمک دولت ملی دکتر مصدق شتافتند. در کودتای اول 1332/5/25 کارگران به خیابانها ریخته از دولت ملی دکتر مصدق حمایت کردند. از ظهر 25 مرداد خیابانها در اختیار طبقه کارگر بود. میتینگ های موضعی، پایین آوردن عکس ها و مجسمه های شاه در میادین و فریاد زنده باد جبهه متحد واحد ضد استعماری را سردادند. تا عصر 1332/5/27 که دکتر مصدق دستور جلوگیری از این تظاهرات را داد. بدستور سرتیپ ریاحی رییس ستاد ارتش کارخانه های چیت سازی، سیمان تهران، دخانیات، بلور سازی، دباغی ها، کوره پزخانه ها و راه آهن محاصره و از حضور کارگران در خیابانها بشدت جلوگیری شد. 700 نفر از کادرهای شورای متحده در این روز دستگیر و بازداشت شدند. با ممانعت از تظاهرات کارگران و به خانه فرستادن و محاصره کارخانه ها توسط ارتش، دست رجاله های ارتشی و اوپاش باز شد تا پهلوان پنبه میدان و قوت قلب کودتاچیان شوند. ستون فقرات تشکیلات کارگری تهران را کارخانه های سیلو، چیت سازی، دخانیات، کوره پزخانه ها و راه آهن تشکیل می داد که به محاصره ارتش درآمده بود. سنگ را بسته و سگها را رها کرده بودند.

بعد از کودتا آنچه نصیب طبقه کارگر شد، اخراج، در بدری، زندان، شکنجه، ترور، اعدام و بدتر از همه نابودی دستاوردهای کارگری بود و اتهام عدم حمایت از دولت ملی دکتر مصدق. **اماچه باک، ما بسیاریم و خلق را شکست، آزمونی و تجربه ای دیگر است.** پس از کودتای 28 مرداد بسیاری از مواد قانون کار از جمله 8 ساعت کار، تعطیلی روز جمعه، اخراج ها و از همه مهمتر داشتن اتحادیه نادیده انگاشته شد و کشتار کارگران آغاز گردید. حسن کارگر حلبی ساز در زندان زیر شکنجه کشته شد، محمد کریمی دهقان زاده ای

از روستای گلدسته ورامین و نماینده کارگران در فستیوال صلح در جریان شکنجه و زیر ضربات باتون مشاعرش را از دست داد. قازاریان در لاله زار مورد هدف گلوله قرار گرفت. آودیس مسروپیان کارگر قناد با مسلسل درو شد. آرماییس از فعالان کارگری اصفهان توسط داشناک ها ترور شد. ملانصراله تحریری دهقان مبارز گرمساری بوسیله مرتجعین ربوده، آب جوش روی بدنش ریختند و او را بطرز دلخراشی کشتند. وارطان سالاخانیان کارگر کفاش تکه تکه شد، ولی سخنی نگفت. ابوالفضل فرهی از بنیان گذاران اتحادیه قالیبافان خراسان در سالهای 1309 و از فعالین اتحادیه کارگران شرکت نفت در زیر شکنجه کشته شد. اما هیچ خبری به اندازه دستگیری هیات دبیران شورای متحده، رژیم کودتا را خوشحال نکرد. این هیات دبیران که توانسته بود تا زمان دستگیری 1333/11/17 اعتصاب بزرگ کارگران کفاش تهران را سازماندهی کرده و تجمعات موضعی را علیه رژیم کودتا، از برای شکستن روحیه ضعف و شکست برپا کرده و سازمان گسترده ای برای حمایت و کمک به خانواده های زندانی سیاسی ایجاد کند، رژیم رابه وحشت انداخته بود. رفتاری که در زندان با این کارگران شد گویای عمق وحشت رژیم ضد کارگری شاه بود. دست خسرو عیوضیان بهترین کفاش زنانه دوز و دبیر اتحادیه کارگران کفاش را لای گیره گذاشته شکستند، ابانر برنگی عضو کمیته اعتصاب کارگران کفاش را چنان شکنجه کردند که کلیه هایش از کار افتاد، رحمت اله جزنی را چنان با شلاق زدند که تا ماهها به پشت نمی توانست بخوابد. جراحی هایش را مداوانمی کردند تا باعث چرک شده، خارش و عذاب بیشتری نصیبش شود. بهرام یعقوب زاده پارچه فروش دوره گرد و از مسولین شورای متحده را بدلیل مقاومتش در زیر شکنجه و بخصوص کلیمی بودنش عذاب فراوانی دادند و با گذاشتن سیخ داغ بین دورانش، فداکاریش در راه طبقه کارگر را ستودند. محبوب عظیمی کارگر آهنگر و دبیر شورای متحده تهران را چنان شکنجه کردند که تا پایان عمر اثراتش باقی بود.

اما سرمستی رژیم ضد کارگری شاه دیری نپایید. رودخروشان و زاینده زحمتکشان راهیچ سدی نمی توانست از حرکت باز ایستاند. طبقه کارگر با بازسازی خود از اوایل سال 1334 سندیکاهای خود را ایجاد کرده و در پی دستیابی حقوق از دست رفته آستین ها را بالا زد. نه تنها آب رفته رابه جوی بازگرداند بلکه دستاوردهای برادران تکه تکه شده و زیر شکنجه های حیوانی له شده اش را گسترده تر کرد. بیمه های اجتماعی را همگانی کردند، حق عایله مندی را نه تنها برای زحمتکشان، که برای همه مزدبگیران کسب کردند. رسمی شدن کارگران به امری عادی بدل شد، 2 دست لباس کار و کفش، تعطیلات تابستانی، استراحتگاه محمودآباد، کمد لباس، سالن غذاخوری، سرویس رفت و آمد، مهد کودک، شیرخوارگاه، 2 ماه مرخصی با حقوق برای زنان باردار، حتی شیروصابون را نیز به دیگر حقوق زحمتکشان و مزدبگیران افزودند، تا شامل آموزگاران و حنانظامیان نیز شود. تلاش برای گسترده تر شدن بیمه برای همه صنوف و از همه مهمتر قانونی کردن حق اعتصاب در ماده مکرر 33 قانون کار شاه، از شاهکارهای طبقه کارگر بود. طبقه کارگر برای سپاس گذاری از پیشکسوتان خود راهی جز تعمیق و گسترده تر کردن این حقوق ندارد. طبقه کارگر مبارزه می کند تا حقوقی را که بدست می آورد شامل تمام زحمتکشان شود.

مازیارگیلانی نژاد

دستهای بیکران.
زنجیری ست به دست .
بجویم دیگری را،
او مرا
شاید شویم موج
موجهای بیکران پیکار. م. دلاور

کودک، کار، زندگی – کودکان کار، کارگران فردا

ما خانه ی کودک مهر را دوست داریم و معلم هایش را هم همین طور. خانه ی کودک مهر از مدرسه های دیگر خوبتر است. و مثل دیگر مدرسه هان نیست. که از ماپول بگیرند و به خاطر یک کیک 500 تومانی بگیرند. این جا برای کیک یاد دیگر خوراکی هاپول نمی گیرند و ما خیلی خوشحال هستیم. من واقعا این مدرسه را دوست دارم. مدرسه های اصفهان به خاطر کتاب های درسی 15 هزار تومان و ثبت نام 100 هزار تومان می گرفتند و ما آن قدر پول نداشتیم و ما از فامیل و اقوام خود پول می گرفتیم. مدرسه ی ما می گفت که باید لباس مدرسه را خودتان بخرید. پدر من شب ها به خانه نمی آمد ما هم زیاد پول نداشتیم و از فامیل هایمان قرض می گرفتیم و لباس مدرسه تهیه می کردیم. و همین طور لوازم تحریر و چیزهای دیگر هم می خریدیم. این مدرسه خیلی به ما کمک کرده است. وسایل و دیگر چیزها را هم به ما کمک می کند. ماهمه آقای بشیری و خانم بشیری و همه ی دست اندرکاران را دوست داریم. در اصفهان که بودیم وقتی اردو می رفتیم از ما 1000 تومان می گرفتند ولی اینجا از ما 100 تومان هم نمی گیرند.

فریبا موسایی از موسسه حمایتی مهر کودکان

تو که کار می کنی

تو کار می کنی

آری،

و رنج میبری

باری،

اما تمام حرف این نیست.

تو کار می کنی، زان رو باید بیندیشی.

که چرا،

هم کار می کنی

و هم

رنج میبری.

(شعر برگرفته از پروشور انجمن حمایت از کودکان کار)